

برف (۸۱ دسمبر ۲۰۱۱)

دارد نبرد سرد و سوزان با خزان برف
 گردیده پهن به بام و در چون پرنیان برف
 انداخته لرزه به تن مردمان چون بید
 همچون غربال آمدن ناگهان برف
 بر قله کوه های سر بر افراشته بر فلک
 پوشانده چادر زربف ، نقره نشان برف
 جلوه گریست سپیدیش بر دشت و دمن
 کرده سیاه ز دود ایمه خانه مان برف
 هیزم و آذوقه در انبار دارند اغنیان
 آنان ندارند خوف و هراس از ریزش برف
 از سردی دارند غریبان زانو در بغل
 می شمارند دانه های الماس نشان برف
 برهنگان را برف آورده است به ستوه
 چادر نشینان را ساخته است ناتوان برف
 آید بهار و خورشید تا بد باری دیگر
 شرمنده از بیدادش رود از میان برف

* * * *